

# پیش بینی تعهد زناشویی بر پایه عواطف خودآگاه (شرم و گناه) و تمایز یافتگی خود در دانشجویان متأهل

سلمان زارعی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی

فاطمه حسینیقلی

کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد، تهران مرکزی

پذیرش: ۹۲/۲/۱

دریافت: ۹۱/۱۰/۱۷

## چکیده

**هدف:** هدف پژوهش حاضر پیش بینی تعهد زناشویی بر پایه عواطف خودآگاه (شرم و گناه) و تمایز یافتگی خود در بین دانشجویان متأهل بود.

**روش:** پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش را دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز تشکیل می دهند که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ مشغول به تحصیل بودند. از جامعه مذکور تعداد ۱۱۰ دانشجوی متأهل به روش تصادفی ساده و با استفاده از جدول نمونه گیری کریچی و مورگان (۱۹۷۹) انتخاب شدند. داده ها به وسیله پرسش نامه های تمایز یافتگی خود (DSI)، آزمون عاطفه خودآگاه (TOSCA-2) و پرسش نامه تعهد زناشویی (MCQ) جمع آوری شدند و با استفاده آزمون های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره به شیوه همزمان و گام به گام تجزیه و تحلیل شدند.

**یافته ها:** یافته های پژوهش نشان داد که تمایز یافتگی خود با تعهد زناشویی رابطه مثبت معنادار ( $p < 0/01$ )، احساس شرم با تعهد زناشویی رابطه منفی

---

1. salman\_zarei@yahoo.com

معنادار ( $p < 0/01$ ) دارند و این دو متغیر در مجموع قادر به پیش بینی ۳۶ درصد از واریانس تعهد زناشویی هستند. همچنین نتایج نشان داد که بین احساس گناه با تعهد زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد و این متغیر توانایی پیش بینی تعهد زناشویی را ندارد.

**نتیجه گیری:** بنابراین می‌توان نتیجه گرفت افرادی که سطح تمایز یافتگی بالاتری دارند و همچنین کمتر احساس شرم می‌کنند، تعهد زناشویی بیشتری دارند.  
**واژگان کلیدی:** تعهد زناشویی، تمایز یافتگی خود، عواطف خودآگاه.

## مقدمه

ازدواج مهمترین قرارداد زندگی هر فرد محسوب می شود. اندرسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) ازدواج سالم را به معنی حضورچندین عنصرمثل تعهد، رضایت زناشویی، ارتباط و عدم وجود عناصری نظیر خشونت و خیانت می داند (به نقل از شروود<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). به نظرمی رسد هم تعهد نسبت به همسر و هم تعهد نسبت به نهادازدواج برای موفقیت یک ازدواج مهم باشد (لامبرت و دولاهیت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). هر ازدواج موفق حاوی سه رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم است که در این بین تعهد زناشویی قوی ترین و پایدارترین عامل پیش بینی کننده کیفیت و ثبات زناشویی است (موسکو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹). تعهدزناشویی حدی است که در آن افراد دیدگاه بلندمدتی روی ازدواجشان دارند، برای رابطه شان فداکاری می کنند. برای حفظ، تقویت و همبستگی اتحادشان گام برمی دارند و حتی هنگامی که ازدواجشان ثمربخش نیست، با همسرشان می مانند (هارمون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). سطوح بالای تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر، سازگاری و ثبات زناشویی بالاتر، مهارت های حل مسئله مناسب تر و رضایت زناشویی رابطه دارد (مسترز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸؛ تیلگمن - اوسبورن و کول<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸) و سطوح پایین آن با دلزدگی زناشویی رابطه دارد (اسدی، فتح آباد و شریفی، ۱۳۹۲).

اگر چه تعهد یا قصد برای ادامه رابطه، اغلب سازهای کلی در نظر گرفته می شود، اما به سه نوع متمایز تقسیم می گردد. این سه نوع تعهد شامل: الف) تعهدبه همسر (تعهدشخصی)، براساس تمایل به باقیماندن در رابطه است و سه عامل در آن دخیل است: افراد موجود در رابطه، جذب رابطه شدن و هویت زوج ها) تعهدبه ازدواج (تعهداخلاقی)، مرتبط با تعهدات اجتماعی یا مذهبی است و شامل اعتقاد به این ارزش ها است: عمل به قول خود، پاسداشت ازدواج به عنوان یک نهاد اجتماعی و اخلاقی و حفظ ازدواج به عنوان یک مسئولیت مقدس و ج) تعهد

1. Anderson
2. Sherwood
3. Lambert & Dellahite
4. Mosoko
5. Harmon
6. Masters
7. Tilghman- Osborne & Cole

اجباری، براساس احساس به دام افتادن در یک رابطه به دلیل هزینه ها و مشکلات موجود در فسخ کردن پیوند است (کاپینوس و جانسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). گودفرد و آگنیو<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) رضایت زناشویی، برخورداری از مهارت‌های حل مسئله و ویژگی‌های شخصیتی و روانی- اجتماعی فرد را از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تعهد زناشویی دانسته‌اند. کیفیت روابط زناشویی چنان با کل شخصیت زوج در هم آمیخته است که در نظر گرفتن آن به عنوان پدیده‌ای مستقل از عوامل روانی- اجتماعی از قبیل میزان تمایز یافتگی زوج‌ها، اعتماد بین فردی و احساسات شرم و گناه غیرممکن است (لی، سان و چائو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱).

براساس نظریه نظام‌های خانواده بوئن<sup>۴</sup> (۱۹۷۸)، تمایز یافتگی سطحی را توصیف می‌کند که یک شخص قادر است بین کارکرد عقلانی و عاطفی خود در روابطش با صمیمیت و خودمختاری تعادل برقرار کند<sup>۵</sup> (دوکسار<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸؛ گلید<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵). براساس این نظریه حداقل ۴ عامل، واکنش پذیری عاطفی<sup>۸</sup>، گسلس عاطفی<sup>۹</sup>، امتزاج با دیگران<sup>۱۰</sup>، و توانایی به دست آوردن جایگاه- من<sup>۱۱</sup> از پیش‌بینی‌کنندگان سطح تمایز یافتگی یک فرد هستند (دوکسار، ۲۰۰۸). بطور ویژه، زوج‌هایی که واکنش پذیری عاطفی کمتر، گسلس عاطفی کمتر و امتزاج محدودی با یکدیگر دارند و قادرند از عقاید خود دفاع کنند، میزان بالاتری از تعهد و رضایت زناشویی را تجربه می‌کنند (اسکورن<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۰؛ هیل<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۸). میلر، آندرسون و کلا<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۴)، اسکورون

1. Kapinus & Johnson
2. Good friend & Agnew
3. Lee, Sun & Chao
4. Bowen
5. I-position
6. De cesare
7. Glade
8. Emotional reactivity
9. Emotional cut off
10. Fusion with others
11. I-position
12. Skowron
13. Hill
14. Miller, Anderson & Keala

(۲۰۰۰)، مؤمنی و علیخانی (۱۳۹۲) و ولدخانی (۱۳۸۷) نیز در پژوهش‌های خود به طور مشابه به این نتیجه رسیدند که زوج‌هایی که از سطح تمایز یافتگی بالایی برخوردارند در زندگی زناشویی سازگاری بیشتر و به تبع آن تعهد زناشویی بالاتری دارند. مطرح است افرادی که خود متمایزسازی بیشتری دارند، در روابطشان کمتر سبک‌دل‌بستگی اجتنابی را نشان می‌دهند و بیشتر به همسرشان متعهد هستند. علاوه بر این، افراد با سبک‌دل‌بستگی اضطرابی / دوسوگرا به سختی به همسران خود اعتماد می‌کنند. بر خلاف آن، افراد با سبک‌دل‌بستگی ایمن در رابطه زناشویی خود سطوح بالاتری از اعتماد دارند. همچنین افراد با سبک‌دل‌بستگی ایمن دیگران را قابل اتکاتر و اعتمادتر می‌بیند (اسکورن و دندی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴؛ پلگ، هالابی و وابی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶).

احساس شرم و احساس گناه عوامل بعدی مورد بحث این پژوهش هستند که نشان داده‌اند همبستگی معناداری با سطح کارکرد یک رابطه دارند. شرم و گناه به عنوان عواطف خودآگاه در نظر گرفته می‌شوند که به «خود»<sup>۳</sup> مرتبط هستند. به منظور احساس این هیجانات افراد باید مجموعه‌ای از استانداردها برای ارزیابی رفتارشان داشته باشند (زو و وانگ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹). هنگامی در زندگی زناشویی تعارضات افزایش می‌یابند، اعتماد بین زوجین شروع به کاستن می‌کند و زوج‌ها نسبت به یکدیگر تعهد کمتری نشان می‌دهند (کروز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷). بنابراین، این احتمال وجود دارد، که هنگام افزایش تعارض و در نتیجه تعاملات اختلاف برانگیز بین زوجین، تجربه‌ی احساسات شرم و گناه افزایش یابد. هر انسان در زندگی روزمره خود به دلایل مختلف دچار احساس شرم و گناه شده است. در واقع هر کدام از ما ظرفیتی برای تجربه‌ی این دو هیجان داریم. احساس گناه به عنوان هیجانی براساس ناکامی توصیف شده است، جایی که فرد احساس اضطراب، ترس و عصبانیت می‌کند و این نیاز را احساس

---

1. Dendy  
2. Peleg, Halaby & Whaby  
3. Self  
4. Zou & Wang  
5. Kruse

می‌کند که برای جبران باید به نحوی رفتار کند که استانداردهای اخلاقی درونی را نقض کند. هنگام توضیح گناه تمرکز روی رفتار است. در احساس شرم تمرکز روی «خود» به عنوان یک کل است. در این حالت احساس شرم به عنوان هیجانی براساس احساسات افسرده کننده از قبیل ناامیدی، حماقت و آرزو برای اجتناب از بودن در کنار دیگران بخاطر ترس از طرد شدن تعریف شده است (تانگنی و دیرینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲؛ استویگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ الینگسن، جانسون، تجوتا و تورسویک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). طبق دیدگاه کافمن<sup>۳</sup> (۱۹۸۱) شرم در روابط خانوادگی پرورش داده می‌شود و روی ادراکات از روابط زناشویی تأثیر می‌گذارد. انسان‌ها موجودات اجتماعی‌ای هستند که نیاز دارند به دیگران اعتماد و اتکا کنند، احساس شرم در بافت شکستن یک اعتماد و حمایت بین فردی گسترش پیدا می‌کند (برونو<sup>۴</sup>، لتواک و آگین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹). نتایج پژوهش ترنر و اسکالرت<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) و رتزیگر<sup>۷</sup> (۱۹۹۱) نشان می‌دهند که زنانی که نگران تجربه صمیمیت و عدم ثبات در زندگی زناشویی هستند، شرم بیشتری را احساس می‌کنند. از آنجایی که احساسات شرم و گناه هیجاناتی هستند که بعد از شکست در تعاملات دیده می‌شوند قابل تصور است که شرم و گناه بخشی از واکنش پذیری هیجانی که بعدی از تمایز یافتگی خود است، باشند (کروز، ۲۰۰۷). براساس پژوهش کریمیان، کریمی و بهمنی (۱۳۹۰) سطوح متوسط شرم و گناه با عملکرد انطباقی فرد سالم همراه است اما سطوح کرانه‌ای این هیجانات موجب خصیصه‌های آسیب‌شناسی روانی می‌گردد.

1. Tangney & Dearing  
 2. Ellingsen, Johannesson, Tjotta & Torsvik  
 3. Kaufman  
 4. Bruno  
 5. Luwak & Agin  
 6. Turner & Schallert  
 7. Retzinger

در دین و فرهنگ ما تعهد زناشویی یک ارزش بسیار عالی است و حساسیت‌های زیادی نسبت به آن وجود دارد و به عنوان یکی از عوامل اساسی در ثبات و کیفیت زندگی زناشویی شناخته می‌شود. اما از آنجایی که تحقیقات اندکی به بررسی رابطه تعهد زناشویی با سایر متغیرها پرداخته اند، هنوز سؤالاتی در مورد نقش تمایز یافتگی خود و احساسات خودآگاه شرم و گناه در تبیین میزان تعهد زناشویی موجود است. لذا، با توجه به مطالب ذکر شده هدف پژوهش حاضر پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس عواطف خودآگاه (شرم و گناه) و تمایز یافتگی خوداست. بر این اساس سؤال پژوهش حاضر عبارت است از: آیا عواطف خودآگاه (شرم و گناه) و تمایز یافتگی خود قادر به پیش بینی تعهد زناشویی هستند؟

## روش

پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز بوند که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند. طبق آمار دریافتی در حدود ۱۹۶ دانشجوی متاهل در این دانشگاه به تحصیل مشغول بودند. نمونه گیری به روش تصادفی ساده و از روی لیست صورت گرفت. حجم نمونه با استفاده از جدول نمونه گیری کریجی و مورگان<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) مشخص شد. طبق این جدول، از جامعه آماری به تعداد ۱۹۶ نفر باید در حدود ۱۲۷ نفر انتخاب گردد. در نهایت با در نظر گرفتن احتمال ریزش آزمودنی‌ها حجم نمونه ۱۳۵ انتخاب شد که در بررسی داده‌ها با در نظر گرفتن داده‌های از دست داده، تعداد ۱۱۰ نفر (۳۶ مرد و ۷۴ زن) در تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های زیر استفاده شد:

1. Krejcie & Morgan

۱- پرسش نامه تمایز یافتگی خود<sup>۱</sup> (DSI): فرم اولیه این پرسش نامه توسط اسکورن و فراید لندر<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) تهیه شده و آزمون نهایی توسط جسکون در ۴۶ گویه بر مبنای نظریه باون ساخته شده است و در سال ۲۰۰۳ توسط اسکورن و اسمیت تجدیدنظر شد. این پرسش نامه به صورت خود گزارش دهی است و به منظور سنجش تمایز یافتگی افراد به کار می‌رود (تمرکز اصلی آن روی ارتباطات مهم زندگی و روابط افراد با خانواده اصلی است (اسکورن و اسمیت، ۲۰۰۳). پرسش نامه خود متمایز سازی با مقیاس لیکرت در یک طیف ۶ گزینه ای از ۱ (ابدا در مورد من صحیح نیست) تا ۶ (کاملاً در مورد من صحیح است) درجه بندی شده است. به هر سوال نمره‌ای بین ۱ و ۶ تعلق می‌گیرد. به این صورت که به گزینه ۱ نمره ۱ و به گزینه ۶ نمره ۶ داده می‌شود. حداکثر نمره این پرسش نامه برابر با ۲۷۶ است. نمره کمتر در این پرسش نامه نشانه سطوح پائین تمایز یافتگی است. روایی محتوایی این پرسش نامه از روش همسانی درونی ۰/۸۳ گزارش شده است (یونسی، ۱۳۸۵). از نظر پایایی، ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده توسط اسکورن و فراید لندر (۱۹۹۹) ۰/۸۸ است. یونسی (۱۳۸۵) پرسشنامه مذکور را هنجاریابی کرد و ضریب پایایی را ۰/۸۵ گزارش کرد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسش نامه ۰/۸۷ بدست آمد.

۲- آزمون عاطفه خودآگاه<sup>۳</sup> (TOSCA-2): «آزمون عاطفه خودآگاه»، یک ابزار خودسنجی و مداد کاغذی است که ۱۶ موقعیت (سناریو) شرایط زندگی روزمره را به آزمودنی ارائه می‌کند و پاسخ دهندگان پاسخ‌های احساسی، هیجانی و رفتاری خویش و احتمال پاسخ خود به آنها را رتبه می‌دهند. تمام سناریوهای این آزمون آیتم‌های احساس شرم و اشتغال ذهنی با احساس گناه هستند. آزمودنی پاسخ‌های خود را به صورت لیکرت ۵ درجه‌ای رتبه می‌دهد که دامنه آنها از ۱ به معنی «احتمال

1. Differentiation Of Self Inventory-Revised(DSI-R)  
 2. Fridlander  
 3. Test Of Self-Conscious Affect-2(PFQ-2)



ندارد» تا ۵ به معنی «به احتمال زیاد» است. نمره پائین در این پرسش نامه بیانگر ارزیابی منفی فرد از خویشتن خود، رفتارها و عمل هایش است. تانگنی، واگنر و گرمزو<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) روایی سازه دو مقیاس مستعد بودن به شرم و مستعد بودن به گناه را در حد مناسب گزارش کرده‌اند. درایران روایی صوری این آزمون مورد تأیید اساتید رشته های مشاوره و روان شناسی قرار گرفته است (ثنایی ذاکر، ۱۳۸۷). در پژوهش فرگوسن و همکاران (۲۰۰۱) که بر روی ۱۳۲ دانشجوی مقطع کارشناسی صورت گرفت، ضریب الفای کرونباخ برای مقیاس مستعد بودن به شرم ۰/۸۱ و برای احساس مستعد بودن به گناه ۰/۷۸ گزارش شده است (ثنایی ذاکر، ۱۳۸۷). در پژوهش انوشه‌ای و پورشهریاری و ثنایی ذاکر (۱۳۸۵) نتایج حاصل از بازآزمایی این آزمون پس از چهار هفته بر روی دانشجویان، ضریب پایایی احساس مستعد بودن به شرم و احساس مستعد بودن به گناه به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۷۰ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس های مستعد بودن به شرم و مستعد بودن به گناه به ترتیب ۰/۸۰ و ۰/۷۵ به دست آمد.

۳- پرسش نامه تعهد زناشویی<sup>۲</sup> (MCQ): این پرسشنامه میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه گیری می کند. این پرسشنامه به وسیله آدامز و جونز (۱۹۹۷) برای مقاصد پژوهشی تهیه و تدوین شده و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه گیری می کند که شامل: تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری است. آدامز و جونز (۱۹۹۷) در ۶ پژوهش گوناگون به منظور به دست آوردن پایایی و روایی پرسشنامه، آن را در مورد ۴۱۷ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات همبستگی هر پرسش بانمره کل پرسشنامه بالا و معنادار بود و به گونه کلی ابعاد این پرسشنامه از بیشترین حمایت تجربی و نظری برخوردار بود. آدامز و

1. Wagner & Gramzow

2. Marital Commitment Questionnaire

جونز (۱۹۹۷) میزان پایایی هریک از مقیاس‌های این پرسشنامه، را در مورد نمونه یاد شده، به این شرح به دست آوردند: تعهد شخصی ۰/۹۱؛ تعهد اخلاقی ۰/۸۹ و تعهد ساختاری ۰/۸۶. و پایایی کل پرسش نامه را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش کردند (عباسی مولید، ۱۳۹۰). در اعتبار یابی آزمون توسط (شاه سیاه، بهرامی و محبی، ۱۳۸۸) روایی محتوایی توسط استاید دانشگاه اصفهان تأیید شد و آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد (کریمیان، کریمی و بهمنی، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسش نامه ۰/۸۰ دست آمد.

### یافته‌ها

#### جدول ۱. شاخص‌های توصیفی در متغیرهای تمایز یافتگی خود، احساس شرم، احساس گناه و تعهد زناشویی

شاخص آماری	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
تمایز یافتگی خود	۱۱۰	۱۷۱/۱۵	۳۲/۶۹	۲/۷۳
احساس شرم	۱۱۰	۴۹/۶۰	۱۰/۸۵	۰/۹۱
احساس گناه	۱۱۰	۶۰/۹۲	۹/۷۸	۰/۸۲
تعهد زناشویی	۱۱۰	۱۱۶/۵۱	۱۸/۸۸	۱/۶۶

جدول ۱ به بررسی شاخص‌های توصیفی در متغیرهای مورد پژوهش می‌پردازد.

**جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای تمایز یافتگی خود، احساس شرم، احساس گناه، و تعهد زناشویی**

ردیف	متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱	تمایز یافتگی خود	۱			
۲	احساس شرم	-۰/۰۳۷	۱		
۳	احساس گناه	-۰/۱۲۷	*۰/۱۸۸	۱	
۴	تعهد زناشویی	**۰/۴۵۵	**۰/۳۸۸	-۰/۱۰۲	۱

$p < ۰/۰۱$  \*\*       $p < ۰/۰۵$  \*

در جدول ۲ دیده می شود بین تمایز یافتگی خود و تعهد زناشویی، احساس شرم و تعهد زناشویی در سطح ۰/۰۱ رابطه معناداری وجود دارد اما بین احساس گناه و تعهد زناشویی رابطه معناداری یافت نشد.

به منظور تعیین تأثیر هر یک از متغیرهای تمایز یافتگی خود، احساس شرم و احساس گناه بر واریانس تعهد زناشویی این متغیرها به صورت همزمان وارد معادله رگرسیون شدند. نتایج تحلیل رگرسیون در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

۱۲۳

**جدول ۳. تحلیل رگرسیون به روش همزمان برای تعهد زناشویی و متغیرهای پیش**

متغیرهای پیش بین	B	$\beta$	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱۷۳/۲۴۱		۲۲/۴۶۷	۰/۰۰۰
تمایز یافتگی خود	۰/۱۴۵	* * ۰/۲۹۱	۲/۴۶۱	۰/۰۰۵
احساس شرم	-۰/۲۴۳	* * - ۰/۱۷۳	-۲/۶۳۳	۰/۰۰۹
احساس گناه	-۰/۰۴۳	- ۰/۱۰۱	-۱/۱۳۱	۰/۱۸۱
		RS= ۰/۳۸۶	R= ۰/۶۲۵	
		$p < ۰/۰۱$ **	$p < ۰/۰۵$ *	

با استفاده از روش رگرسیون همزمان، مدل معناداری به دست آمد ( $P < 0/0005$ ) و  $F(3, 61) = 2/64$  و  $t$  مشاهده شده حدود ۳۶ درصد از واریانس تعهد زناشویی توسط متغیرهای تمایزیافتگی خود و احساس شرم تبیین می‌شود. بنابراین با توجه به مقدار بتا و سطح معناداری، به ترتیب تمایزیافتگی خود ( $Beta = 0/291$ ) و احساس شرم ( $Beta = -0/173$ ) قوی‌ترین متغیرها برای پیش‌بینی تعهد زناشویی در دانشجویان متأهل هستند و متغیر احساس گناه به دلیل عدم معناداری از معادله رگرسیون حذف شده است. همچنین متغیرهای پیش‌بین به صورت همزمان نیز در معادله رگرسیون تحلیل شدند که نتایج در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک به روش گام به گام

ضرایب رگرسیون		F	RS	MR	شاخص‌ها	متغیر ملاک
۱	۲	P				
<b>متغیر پیش‌بین</b>						
	$B = 0/146$	۳۶/۵۹	۰/۳۰۱	۰/۴۱۳	۱- تمایزیافتگی خود	سازگاری زناشویی
	$\beta = 0/277$					
	$t = 6/046$	$P < /0001$				
	$P < /0001$					
	$B = -0/239$	۳۱/۰۶۶	۰/۳۴۱	۰/۴۶۴	۲- احساس شرم	
	$B = 0/121$					
	$\beta = -0/185$					
	$t = -4/52$	$P < /0001$				
	$t = 6/620$					
	$P < /0001$					
	$P < /0001$					

همان‌طور که در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود در گام اول تمایزیافتگی خود وارد معادله شده است و به تنهایی ۳۰ درصد از واریانس تعهد زناشویی دانشجویان متأهل را پیش‌بینی می‌کند ( $P < 0/01$ ). در گام دوم احساس شرم به معادله اضافه شد که به همراه تمایزیافتگی

خود ۳۴ درصد از واریانس تعهد زناشویی را پیش‌بینی کردند ( $P < 0/01$ ). همچنین، همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود اوزان اختصاصی متغیرهای تمایز‌یافتگی خود و احساس شرم، به ترتیب برابر با ۰/۲۸۴ و ۰/۱۸۵- است که از لحاظ آماری در سطح  $P < 0/01$  معنی‌دار می‌باشند.

### نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس عواطف خودآگاه (شرم و گناه) و تمایز‌یافتگی خود در دانشجویان متأهل بود. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که تمایز‌یافتگی با تعهد زناشویی رابطه مثبت دارد و آن را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان اظهار کرد، درجه توانایی فرد برای اجتناب از تبعیت خودکار رفتار از احساسات، بیانگر میزان تمایز‌یافتگی خود است و هدف اصلی آن توازن میان احساسات و شناخت است. در واقع افراد بیشتر تمایز‌یافته تمایل دارند تا خود مختاری بیشتری در روابطشان داشته باشند و مایلند صمیمیت بیشتری در روابطشان بدون غرق شدن در احساسات داشته باشند (پاپکو، ۲۰۰۲). افراد متمایز یافته به آسانی تحت تأثیر دیگران برای سهم شدن یا جذب کردن اضطراب آنها قرار نمی‌گیرند و به خاطر دیگران موضوعات، مشکلات، شکست‌ها یا اضطراب‌های نشانه آسیب را نشان نمی‌دهند. در عوض درک روشنی از شریک بودن فرایندهای عاطفی اعتیاد آور و آمیخته موجود در سیستم دارند که موجب بیماری، تضعیف روحیه، خوار شدن و خراب کردن آنها می‌شود (فیشر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

طبق نظر گلن و کرامر (۱۹۸۷) تجربیات و مشخصه‌های فردی با تعهد زناشویی در ارتباط هستند. خود متمایز سازی بعنوان یکی از مشخصه‌های فردی با تعهد زناشویی ارتباط دارد. بوئن (۱۹۸۷)، معتقد است که تعارض‌های زناشویی از ضعف

در تمایز یافتگی خود و نداشتن احساس قوی در هویت‌یابی است و تعهد زناشویی مستلزم احساس قوی در هویت‌یابی و تمایز یافتگی خود است (برهمند، ۲۰۱۰). تحقیق پلگ (۲۰۰۸) نشان داده است افراد با سطح تمایز یافتگی بالا رضایت و تعهد زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند در حالی که افراد با تمایز یافتگی پایین آشفته‌گی زناشویی بیشتری دارند. همین رابطه در پژوهش حاضر نیز مورد تأیید قرار گرفته است که با پژوهش‌های اسدی نیک (۲۰۰۹)، میلر، اندرسون و کلا (۲۰۰۴)، اسکورون (۲۰۰۰)، ولد خانی (۱۳۸۵) و کوون (۲۰۰۰) همسو است.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که احساس شرم با تعهد زناشویی رابطه منفی و معناداری دارد و قادر به پیش‌بینی تعهد زناشویی در بین دانشجویان متأهل می‌باشد. در خصوص تبیین این نتیجه می‌توان گفت، احساس شرم همسران را از هم جدا می‌کند و به ارتباطات آنها آسیب می‌رساند (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). در تجربیات شرم جنبه‌های مختلف روان با هم در تعارض هستند، مستعد بودن به شرم از اختلاف بین خود و خود آرمانی به وجود می‌آید (یونگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). بلیور و گلن<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) شرم را به عنوان یک عامل اساسی رشدی توصیف می‌کنند که در سنین کودکی شکل می‌گیرد. آنها بیان می‌کنند زمانی که کودک حس امنیت عاطفی و نزدیکی با مراقب اولیه اش را گسترش ندهد، احساس شرم شکل می‌گیرد. زمانی افراد برای چگونگی احساس در مورد خودشان و سازگار شدن به منظور ایجاد یک رابطه ایمن نیازمند تصدیق همسرشان می‌شوند، احساس شرم در آنها ایجاد می‌شود و نمی‌توانند در رابطه خود با همسرشان احساس امنیت کنند (بلیور و گلن، ۲۰۰۷). کوورت، تانگنی، مادوکس و هلنو<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) دریافتند افرادی که مستعد به شرم هستند به احتمال قوی تری مشکلات روان‌شناختی و بین فردی را تجربه می‌کنند، همچنین

1. Jong  
2. Blavier & Glen  
3. Covert, Tangney, Maddu & Heleno

پژوهش آنها مطرح می‌کند که مستعد بودن به شرم با کیفیت راه حل‌های ابتکاری فردی، خودکارآمدی برای اعمال این راه حل‌ها و اثربخشی مورد انتظار این راه حل‌ها رابطه منفی دارد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هنگامی تجربه شرم افزایش یابد قابل پیش بینی است که تعهد زناشویی کاهش پیدا کند. نتایج پژوهش ترنر و اسکالرت (۲۰۰۱) نشان می‌دهد زنانی که نگران تجربه صمیمیت در روابط زناشویی شان هستند، شرم بیشتری را تجربه می‌کنند و از آنجایی که صمیمیت یکی از ابعاد مهم در تعهد زناشویی است (وایت، لیو و لوین، ۲۰۰۹)، هرچه زنان صمیمیت بیشتری را تجربه کنند احساس شرم در آنان پائین است و به تبع آن تعهد زناشویی بیشتری خواهند داشت بنابراین نتایج پژوهش حاضر در زمینه رابطه منفی احساس شرم و تعهد زناشویی با پژوهش‌های ترنر و اسکالرت (۲۰۰۱) و رتزینگر (۱۹۹۱) همسو است. لازم به ذکر است که هیچ تحقیق منطقی در زمینه رابطه احساس شرم و تعهد زناشویی در بین تحقیقات داخلی توسط پژوهشگر یافت نشد.

باتوجه به نتایج بین احساس گناه و تعهد زناشویی رابطه معنادری یافت نشد و این متغیر توانایی پیش بینی تعهد زناشویی را نداشت و از معادله رگرسیون خارج شده است. که این یافته با پژوهش کریمیان، کریمی و بهمنی (۱۳۹۰) همخوانی ندارد. درباره نکات تبیینی این نتیجه می‌توان بیان کرد که احساس گناه به برخی رفتارهای خاص مرتبط می‌شود که فرد توانایی کنترل آنها را دارد، هنگام بحث در مورد احساس شرم تمرکز روی «خود» به عنوان یک کل است ولی در مورد احساس گناه تمرکز روی رفتار است و خود دست نخورده باقی می‌ماند (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). در حمایت از یافته پژوهش حاضر به تحقیق دان و اسکویتزر<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) می‌پردازیم. دان و اسکویتزر (۲۰۰۵) تأثیر عواطف را روی تعهد زناشویی مورد بررسی قرار دادند. آنها تعدادی از هیجان‌ات از جمله مستعد بودن به گناه را مورد

1. Dunn & Schweitzer

بررسی قرار دادند و آن هیجان‌ات را بر اساس منفی یا مثبت بودن و بر اساس قابلیت کنترل توسط خود فرد یا دیگران تعریف کردند. آنها گناه را به عنوان یک هیجان منفی تعریف کردند که کنترل شخصی در آن بسیار بالا است و خشم را به عنوان هیجان منفی ای تعریف کردند که بوسیله آنچه که دیگران انجام می دهند کنترل می شود. آنها همچنین قدردانی را به عنوان یک هیجان مثبت که توسط دیگران کنترل می شود و غرور را بعنوان یک هیجان مثبت دیگر که توسط خود فرد کنترل می شود را مورد بحث قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان می دهد که قدردانی و خشم به عنوان هیجان‌اتی که که توسط دیگران کنترل می شوند در مقایسه با مستعد بودن به گناه و غرور که توسط خود فرد کنترل می شوند تأثیر بیشتری روی تعهد زناشویی دارند. یافته های پژوهش آنها نشان می دهد هیجانی همانند گناه که بخاطر کنترل فرد روی شرایط و موقعیت تجربه می شود با میزان تعهد زناشویی ای که فرد تجربه می کند رابطه ندارد. نتایج پژوهش آنها مستقیماً از نتایج پژوهش حاضر حمایت می کند. همچنین یکی از دلایل عدم توانایی گناه در پیش بینی تعهد زناشویی می تواند این ایده باشد که برخی اوقات شرم و گناه در تجارب افراد تداخل دارند زیرا مستعد بودن به شرم عمدتاً یک هیجان شدیدتر و قوی تر است که می تواند زمانی با گناه ترکیب شود تأثیر گناه را کاهش دهد (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). به طور کلی نتایج تحقیق نشان داد که سطوح بالاتر خودتمایزسازی در کنار احساس شرم پایین در روابط زناشویی می توانند پیش بینی کننده تعهد زناشویی بالاتر در دانشجویان متأهل باشد و کیفیت زندگی آنها را بهبود بخشد. بر این اساس به مشاوران و زوج درمانگران پیشنهاد می شود که از طریق بالا بردن سطح تمایز یافتگی زوجین و آشنا ساختن آنها با تاثیر عواطف خود آگاه بر رابطه زناشویی، به ارتقا کیفیت زندگی زناشویی آنها کمک کنند و مانع از فروپاشی نهاد خانواده شوند. همچنین نتایج حاصل از این پژوهش را می توان در مشاوره های قبل از ازدواج به کاربرد به طوری که با اجرای پرسش نامه



خودمتمایز سازی و عواطف خودآگاه می‌توان سطوح پایین این متغیرها را شناسایی کرد و در آن زمینه پیشنهادات یا جلسات مشاوره‌ای برگزار کرد. از محدودیت‌های مهم پژوهش حاضر می‌توان به این اشاره کرد که داده‌های پژوهش از طریق خود گزارش دهی آزمودنی‌ها جمع‌آوری شد و این شیوه همیشه تحت تأثیر عوامل متعدد تأثیرگذار چون گرایش پاسخ دهندگان به ارائه پاسخ‌های جامعه‌پسند می‌باشد. همچنین از دیگر محدودیت‌ها می‌توان به این اشاره کرد که جامعه مورد مطالعه افراد تحصیلکرده بودند که در تعمیم یافته‌های به سایر افراد باید با احتیاط عمل کرد. پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی همچون تعداد فرزندان، طول مدت ازدواج، سن، میزان درآمد و.... نیز بررسی گردد.

### سپاس و قدردانی

محقق بر خود لازم می‌داند که از همکاری صمیمانه همه دانشجویان عزیز و کلیه کسانی که در انجام این پژوهش همکاری و مشارکت داشته‌اند، تقدیر و تشکر نماید.

### منابع فارسی

اسدی، عدالت؛ فتح‌آبادی، جلیل و شریفی فواد. (۱۳۹۲). رابطه دلزدگی زناشویی، باورهای بدکارکردی جنسی و احقاق جنسی در زنان متأهل. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۳ (۴)، ۶۶۱-۶۸۴.

انوشه‌یی، مریم؛ پور شهریاری، مه‌سیما و ثنایی‌ذاکر، باقر. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین ادراک دختران از الگوهای تربیتی والدینشان با مستعد بودن به شرم و مستعد بودن به گناه در آنها. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۷ (۲۷)، ۲۰-۲۳.

ثنایی‌ذاکر، باقر. (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. چاپ دوم، تهران: انتشارات بعثت.

- شاه سیاه، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه؛ محبی، سیامک. (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهر اصفهان. *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی*. ۱۱(۳)، ۲۳۸-۲۳۳.
- عباسی مولید، حسین. (۱۳۹۰). رابطه تعهد زناشویی با ارزش های فرهنگی زوجین: مطالعه موردی استان خراسان جنوبی. *فصلنامه مطالعات انتظامی شرقی*. ۱۴، ۱۱-۱۸.
- کریمیان، نادر؛ کریمی، یوسف و بهمنی، بهمن. (۱۳۹۰). بررسی رابطه ابعاد سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۱(۲)، ۲۴۳-۲۵۶.
- مؤمنی، خدامراد؛ و علیخانی، مصطفی. (۱۳۹۲). رابطه عملکرد خانواده، تمایزیافتگی خود و تاب آوری با استرس، اضطراب و افسردگی در زنان متأهل شهر کرمانشاه. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۳(۴)، ۲۹۷-۳۲۰.
- ولدخانی، جمیله. (۱۳۸۷). بررسی رابطه منزلت‌های هویتی من و خود متمایزسازی با رضایت زناشویی در مردان و زنان متأهل در دانشگاه علامه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- یونسی، فاطمه. (۱۳۸۵). *هنجاریابی آزمون خودمتمایزسازی در ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

### منابع لاتین

- Adams, J.M., & Jones, T. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72, 1177-1196.
- Asadinik, S. (2009). *Differentiation of self, marital adjustment, and parental involvement among Iranian – Americans*. Unpublished doctoral dissertation. Alliant International University.
- Barahmand, U. (2010). Self-differentiation in women with and without mental disorders. *Journal Social and Behavioral Sciences*, 5, 559-562.
- Blavier, D.C. & Glenn, E. (2007). The role of shame in perceptions of marital equity, intimacy and competency. *The American journal of family therapy*, 23, 73-82.
- Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York: Aronson.
- Bruno, S., Lutwak, N., & Agin, M.A. (2009). Conceptualizations of guilt and the corresponding relationships to emotional ambivalence, self-disclosure, loneliness and alienation. *Journal of Personality and Individual Differences*, 47, 487-491.

- Covert, M.V., Tangney, J.P., Maddux, J.E., & Helene, N. (2003). Shame-proneness, guilt-proneness, and interpersonal problem solving: a social cognitive analysis. *Journal of social and clinical psychology*, 22, 1-12.
- DeCesare, S.D. (2008). *Anxiety and depression: self-differentiation as a unique predictor*. Unpublished doctoral dissertation. Mary wood University.
- Dunn, J.R. & Schweitzer, M.E. (2005). Feeling and believing: the influence of emotion on marital adjustment. *Journal of personality and social psychology*, 35, 347-357.
- Ellingsen, T., Johannesson, M., Tjøtta, S & Torsvik, G. (2010). Testing guilt aversion. *Journal of Games and Economic Behavior*, 68, 95-10.
- Fergus, T.A., Valentiner, D.P., McGrath, P. B. & Jencius, S. (2010). Shame- and guilt-proneness: Relationships with anxiety disorder symptoms in a clinical sample. *Journal of Anxiety Disorders*, 24, 811-815.
- Fischer, T.F. (2006). Are you still performing human sacrifice? *Journal of Social and Behavioral Sciences*, 15, 347-361
- Glade, A.C. (2005). *Differentiation, marital satisfaction and depressive symptoms: an application of Bowen theory*. Unpublished doctoral dissertation. The Ohio State University.
- Glenn, G. V., & Krammer, M. G. (1987). Examining individualism, collectivism and differentiation in African American college women. *Journal of Mental Health Counseling*, 25, 1-15.
- Good friend, W., & Agnew, C. R. (2008). Sunken costs and desired plans. *Personality and social psychology Bulletin*, 37, 1639-1652.
- Harmon, Kh. D. (2005). *Black men and marriage: the impact of spirituality, religiosity, and marital commitment on satisfaction*. Unpublished doctoral dissertation, university of Alabama.
- Hill, A. (2008). *Predictors of relationship satisfaction: the link between cognitive flexibility, passionate love and level of differentiation*. Unpublished doctoral dissertation. Alliant International University, Los Angeles, California.
- Jong, C. (2005). *Shame and guilt among Asian Americans*. Unpublished doctoral dissertation. Argosy University, Honolulu, Hawaii.
- Kapinus, C. A., & Johnson, M. P. (2003). The utility of family life cycle as theoretical and empirical tools. Commitment and family life-cycle stage. *Journal of family issues*, 24(2), 155-184.
- Kaufman, G. (1981). *The Psychology of Shame: Theory and Treatment of Shame-Based Syndromes (2nd ed.)*. New York, NY: Springer Publishing Company.
- Kruse, N. (2007). *The relationship between self-differentiation and the levels of trust, shame and guilt in intimate relationships*. Unpublished doctoral dissertation. Alliant International University, Los Angeles, California.
- Kwon, D.O. (2000). *The relationship between marital satisfaction, self-esteem and Bowen differentiation of self*. Unpublished doctoral dissertation. Alliant International University, Los Angeles, California.
- Lambert, N. M., & Dollahite, D. C. (2008). The Threefold Cord: Marital Commitment in Religious Couples. *Journal of Family Issues*. 29: 592-614.

- Lee, T. Y., Sun, G.H., & Chao, S.C. (2001). The effect of an infertility diagnosis on the distress, marital and sexual satisfaction. *Hun report 2001 Aug*, 16(8), 1762-7.
- Masters, A. (2008). Marriage, commitment and divorce in a matching model with differential aging. *Review of Economic Dynamics*, 11, 614-628.
- Miller, R.B., Anderson, S., & Keala, D.K. (2004). Is Bowen theory valid? A review of basic research. *Journal of marital and family therapy*, 30, 453-470.
- Mosko, J. (2009). *Commitment and attachment dimensions*. In partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy: Purdue University.
- Peleg O., Halaby & Whaby, E. (2006). The relationship of maternal separation anxiety and differentiation of self to children's separation anxiety and adjustment to kindergarten: A study in Druze families. *Anxiety Disorders*, 20, 973-995.
- Peleg, O. (2008). The relation between differentiation of self and marital satisfaction: what can be learned from married people over the course of life? *The American journal of family therapy*, 36, 388-401.
- Popko, O. (2002). Bowen theory: A study of differentiation of self, social anxiety, and physiological symptoms. *Contemporary Family Therapy*, 24, 355-369.
- Retzinger, s. (1991). The role of shame in marital conflict. *perspective on social problems*, 3, 234-239.
- Sherwood, E. M. (2008). *Marital strength in Canadian military couples: A ground theory approach*. unpublished doctoral dissertation, University of Calgary.
- Skowron, E.A & Schmitt, T.A. (2003). Assessing interpersonal fusion: reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29M, 209 - 222.
- Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, 45, 1-11.
- Skowron, E.A & Dendy, A.K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: relational correlates of effortful control. *Contemporary Family Therapy*, 26, 337-357.
- Skowron, E.A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47, 229-237.
- Stuewig, J., Tangney, J. P., Heigel, C., Harty, L & McCloskey, L. (2010). Shaming, blaming and maiming: functional links among the moral emotions, externalization of blame and aggression. *Journal of Research in Personality*, 44, 91-102.
- Tangney, J. P., Wagner, P. E., & Gramzow, R. (1989). *The test of self-conscious affect*. Fairfax, VA: George Mason University.
- Tangney, J. P. & Dearing, R. L. (2002). *Shame and Guilt*. New York & London: The Guilford Press.
- Tilghman-Osborne, C., & Cole, D. A. (2008). *Relation of Guilt, Shame, Behavioral and Character logical Self-Blame to Depressive Symptoms in Adolescents Over Time*, Guilford Publications. 27: 809-842.
- Turner, J.E. & Schaller, D.L. (2001). Expectancy value relationships of shame reactions and shame resiliency. *Journal of educational psychology*, 93, 320-329.

- Waite, J., Luo, y & Lewin, A.C. (2009). marital happiness and marital stability: Consequences for psychological well-being. *Journal of social science research*, 38, 201-212.
- Zou,Z &Wang,D. (2009). Guilt versus shame: distinguishing the two emotions from Chinese perspective. *Journal of social behavior and personality*, 37, 601-604.

